

نقدی بر ماده ۹۴۹ قانون مدنی

(محرومیت زوجه از مازاد فرض در ارث)

دکتر محمدعلی خیرالهی*

چکیده:

بر اساس فتوای مشهور فقها در صورتی که وارثی غیر از زوجه برای زوج وجود نداشته باشد، زوجه فقط سهم خود (یک چهارم) را برده و بقیه از باب (الإمام وارث من لا وارث له) به امام می‌رسد. قانون مدنی نیز در ماده ۹۴۹ به این موضوع اشاره نموده است.

ما در این تحقیق به بیان دیدگاه‌های موافقین و مخالفین این نظریه و بررسی روایات مربوط به آن خواهیم پرداخت.

پیام اصلی مقاله این است که با توجه به این که برخی از فقهای نامدار شیعه بر این عقیده‌اند که بر خلاف ماده ۹۴۹، دست کم در زمان غیبت امام عصر (عج)، در صورت عدم وجود وارث دیگری برای زوج، تمام ارث به زوجه می‌رسد و نه یک چهارم آن، قانونگذار نیز می‌توانست در این جهت گام بردارد تا شبهه تضييع حقوق زن در قانون مدنی ایران را کاهش دهد.

مقدمه:

مقررات ارث در هر یک از جوامع انسانی، نتیجه تحولات عمیقی است که در دوره‌های متمادی در زندگی انسان‌ها پدید آمده است. هنگامی که انسان زندگی اجتماعی خویش را با تشکیل خانواده آغاز کرد و مالکیت فردی برای او شناخته شد، مسئله میراث نیز مورد توجه او قرار گرفت.

در طول تاریخ در میان اقوام و ملت‌های گوناگون، بر حسب آداب و سنت‌های اجتماعی و قواعد

در طول تاریخ در
میان اقوام و
ملت‌های گوناگون،
بر حسب آداب و
سنت‌های اجتماعی
و قواعد مذهبی،
ضوابط و مقررات
خاصی در باره
انتقال اموال متوفی
به بازماندگان
وضع شده است و
زن نیز به عنوان
بخشی از جامعه
انسانی مورد توجه
بوده است.

مذهبی، ضوابط و مقررات خاصی در باره انتقال اموال متوفی به بازماندگان وضع شده است و زن نیز به عنوان بخشی از جامعه انسانی مورد توجه بوده است.

اعراب گاهی زن متوفا را جزء اموال و دارایی او به حساب می‌آوردند و به صورت سهم‌الارث، زن را تصاحب می‌کردند. اگر میت‌پسری از زنی دیگر داشت، آن پسر می‌توانست به علامت تصاحب، جامه‌ای بر روی آن زن بیندازد و او را از آن خویش بشمارد. بسته به میل او بود که آن زن را به عقد نکاح خود درآورد و یا او را به زنی به شخص دیگری بدهد و از مهر او استفاده کند. این رسم منحصر به اعراب نبوده است و قرآن آن را منسوخ کرد. آنان به دختران و زنان چیزی به عنوان ارث نمی‌دادند و تنها به کسی که بتواند در جنگ‌ها غنیمت به دست آورد و بر پشت اسب‌ها به جلال بپردازد ارث پرداخت می‌شد.^۱ مردی از انصار به نام اوس بن ثابت، قبل از نزول آیه میراث مرد و چهار دختر از خود برجای گذاشت، پس از فوت او فرزندان عمویش اموال او را از آن خود نمودند. همسر اوس نزد پیامبر اسلام رفت و عرض کرد: بعد از فوت اوس فرزندان عمویش تمام اموال را بردند در حالی که دختران اوس چیزی برای زندگی ندارند. پیامبر ﷺ فرمود: به خانه ات بازگرد تا ببینم خداوند چه می‌فرماید و سپس این آیه نازل گشت: «مردان را از آنچه والدین و نزدیکان به جای گذاشتند بهره‌ای است و زنان را از آنچه والدین و نزدیکان به جای گذاشتند بهره‌ای است، کم باشد یا زیاد، که این نصیب و سهمی معین است.»^۲

هنوز هم در بسیاری از کشورهای آفریقایی، زن و کودک دختر از حق ارث محروم هستند، چنان‌که نمایندگان ایشان، در سند نهایی چهارمین کنفرانس جهانی زن در پکن، خواستار تساوی زن و مرد در حق برخورداری از ارث شدند.

در این نوشتار این بخش از مبحث میراث بررسی می‌شود که در صورتی که غیر از زوجه وارث دیگری برای زوج وجود نداشته باشد، زوجه فقط سهم خود (یک چهارم) را برده و بقیه از باب «الإمام وارث من لا وارث له» به امام می‌رسد. فقها در این مورد به دو دسته مخالف و موافق تقسیم می‌شوند که در ادامه به بیان ادله آنان و نکات پیرامون این مسئله خواهیم پرداخت.

اول - ادله مخالفین رد مآزاد فرض به زوجه

۱- بطلان قیاس بر زوج

یکی از مخالفین رد، در این مورد چنین می‌گوید:

از متفردات امامیه این است که زوج در صورتی که وارث تنها باشد کل اموال را می‌برد؛ نیمه

۱- مرتضی مطهری، مجموعه آثار، انتشارات صدرا، تهران، ج ۱۹، ص ۲۳۵.

۲- نساء / ۷. محمد المحبر بغدادی، ص ۳۲۴؛ جیوری، ابو الیقطان، حکم المیراث فی الشریعه الاسلامیه، چاپ بغداد،

به تسمیه و نیمی دیگر به رد و در این مورد زوج نسبت به بیت‌المال اولویت دارد. گروهی از فقها مخالفت نموده و مابقی اموال را برای بیت‌المال در نظر گرفته‌اند. دلیل ما اجماع علما است.

اگر کسی اشکال کند که اگر جایز باشد بر زوج رد شود، باید همین وضعیت در مورد زوجه نیز در صورتی که وارثی جز او نباشد، اعمال شود. در پاسخ باید گفت: شرع را نمی‌توان با قیاس پیش برد بلکه باید تابع ادله بود. البته در مورد زوجه روایتی نادر وارد شده است که در صورت انفراد مانند زوج کل مال را می‌برد، اما نمی‌توان به این روایت تکیه نمود، زیرا طایفه شیعه به این روایت عمل نکرده است. از سوی دیگر، هیچ منعی ندارد که بر مرد مزیتی باشد که برای زن چنین حالتی در نظر گرفته نشود.^۱

۲- جایز نبودن تصرف در اموال امام علیه السلام

برخی دیگر از مخالفین رد، می‌گویند:

«در صورتی که مردی همسری از خود به جای بگذارد و وارث دیگری نداشته باشد، زوجه به نص قرآن ربع برده و بقیه از آن امام می‌باشد. و در روایتی وارد شده است که مازاد بر او رد می‌شود، همان‌گونه که بر زوج رد می‌گردد. برخی از علما در مقام جمع میان روایات، حکم رد بر زوجه را منحصر به عصر غیبت دانسته‌اند.

اما این سخن بسیار بعید می‌باشد، زیرا این وجه جمع که شیخ طوسی ذکر نموده است نیاز به دلالت محکم داشته و برهان قوی می‌طلبید، زیرا اموال انسان با غیبت او حلال نمی‌شود، چون هم به حکم عقل و هم به حکم شرع تصرف بدون اذن در مال غیر قبیح است.

بر اساس این، آنچه سزاوار است در این مورد عمل شود این است که در حال غیبت امام علیه السلام، با تمام اموال او [خمس، ارث بلا وارث و غیره] به صورت یکسان رفتار شود؛ یعنی یا باید آن را دفن نمود و یا به صورت وصایت به دست امام رساند، که در هر حال وصایت احوط است.^۲

۳- دلیل موافقین مبتنی بر خبر واحد است

برخی دیگر از مخالفین رد مازاد فرض بر زوجه چنین بیان می‌کنند:

در صورتی که مردی بمیرد و زوجه‌ای بر جای بگذارد و وارث دیگری نداشته باشد، زوجه ربع را به تسمیه [سه‌میه مشخص] برده و بقیه از آن امام می‌باشد. و اگر چه روایتی در این باره وجود دارد که

۱- شریف مرتضی، الإلتصاف، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ص ۳۰۰.

۲- ابن ادریس حلی، السرائر، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ج ۳، ص ۲۴۳؛ ملا احمد نراقی، عواید الایام، انتشارات بصیرتی، قم، ۱۴۰۸، ص ۲۰۶؛ سید محمد آل بحر العلوم، بلغة الفقیه، مکتبة الصادق، تهران، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۲۷۵.

مانند زوج، مازاد فرض نیز بر او رد می‌شود، اما آنچه اولی می‌باشد، این است که به زن فقط به اندازه ربع پرداخت می‌شود و چیزی بر او رد نمی‌شود؛ زیرا اگر قرار باشد به این روایت عمل کنیم در واقع به خبر واحدی عمل نموده ایم که هیچ قرینه‌ای آن را کمک نمی‌کند.^۱

۴- اصل عدم رد

علامه حلی، از مخالفین رد، در این باره می‌گوید:

مازاد فرض مطلقاً بر زوجه رد نمی‌شود؛ دلیل ما اولاً، اصالت عدم است که رد نکردن مازاد فرض موافق این اصل می‌باشد، زیرا خداوند در قرآن برای زوجه در صورت نبود فرزند، ربع ماترک را در نظر گرفته است و ثانیاً، از آن‌جا که دلیلی بر رد وجود ندارد و از سوی دیگر، روایاتی وجود دارد که مازاد بر فرض را سهم امام می‌داند، از این رو مازاد فرض مطلقاً بر زوجه رد نمی‌شود.^۲

علامه درباره این مطلب که در عصر غیبت با این اموال چه باید کرد، نکته‌ای را مطرح نکرده است، اما بیان او که «به زوجه مطلقاً رد نمی‌شود» نشان‌گر این است که ایشان هم به حال حضور امام نظر دارد و هم به حال غیبت امام علیه السلام.

و نیز گفته شده است:

اصل این است که هر یک از صاحبان فرض، به مقدار سهام خویش دریافت نمایند و رد مازاد خلاف اصل می‌باشد. از سوی دیگر، روایاتی در این زمینه وجود دارد که تأکیدکننده این دیدگاه می‌باشد؛ مانند صحیح‌ه محمد بن حمزه علوی که امام علیه السلام فرمود: اگر زن فرزندی نداشته باشد، ربع ماترک را به زوجه داده و بقیه به صاحبان حاجت داده می‌شود. هم‌چنین روایات متعدد دیگری نیز وجود دارد که دستور پرداخت مابقی ترکه به امام را صادر نموده است و اگر چه چنین توهم می‌شود که این روایات اختصاص به حال حضور امام داشته باشد اما اگر به روایات دقت شود، به دست می‌آید که امام در مقام بیان قاعده کلی بوده و بیان ایشان شامل زمان حضور و غیبت می‌شود؛ زیرا بیان حکم در مبحث میراث باید به صورت قاعده کلی باشد.

از سوی دیگر، اگر قرار بود این حکم اختصاص به زمان حضور امام علیه السلام داشته باشد باید وقتی از امام پرسیده می‌شد که حکم این مسئله چیست، امام در پاسخ می‌فرمود: بقیه به سوی من فرستاده شود، یا این‌که می‌فرمود: این مال من است.^۳

۱- قاضی ابن براج، المهدب، نشر جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۱۴۱؛ علامه حلی، مختلف الشیعه، نشر جامعه المدرسین، قم، ج ۹، ص ۴۰.
۲- علامه حلی، همان.
۳- سید علی طباطبایی، ریاض المسائل، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ج ۹، ص ۱۲۹.

در قرآن کریم برای تمام صاحبان فرض و از جمله زوجه سهم الارث معین شده است و برای این که بتوان به زوجه بیش از این میزان از ماترک پرداخت نمود، نیاز به دلیل است و اگر مشاهده می شود که به زوج مازاد از سهم الارث پرداخت می شود بر اساس اخبار زیادی است که از طریق ائمه وارد شده و برای زوج منفرد تمام ماترک اعم از فرض و رد را در نظر گرفته اند.

از جمله مخالفین رد مازاد فرض به زوجه، صاحب جواهر است. ایشان بعد از آن که برای رد مازاد ترکه به زوج ادعای شهرت عظیم و بلکه اجماع می نماید، به مخالفین این نظریه که مازاد ترکه را بر اساس اصل اولی «امام وارث بی وارثان است» از آن امام می دانند، چنین پاسخ می دهد:

اصل هیچ گاه نمی تواند با نص معارضه کند و رد بر زوج اگر چه مخالف اصل است اما به واسطه غیر اصل که همان نص باشد ثابت شده است.

ایشان در مخالفت با رد مازاد ترکه بر زوجه به اصل عدم وراثت استناد کرده و می گوید: خروج از این اصل نیاز به دلیل دارد که استدلال کنندگان از آن برخوردار نیستند.

از سوی دیگر، در قرآن کریم برای تمام صاحبان فرض و از جمله زوجه سهم الارث معین شده است و برای این که بتوان به زوجه بیش از این میزان از ماترک پرداخت نمود، نیاز به دلیل است و اگر مشاهده می شود که به زوج مازاد از سهم الارث پرداخت می شود بر اساس اخبار زیادی است که از طریق ائمه وارد شده و برای زوج منفرد تمام ماترک اعم از فرض و رد را در نظر گرفته اند.^۱

همازاد فرض از آن بیت المال است

از جمله مخالفین رد مازاد فرض بر زوجه، محقق اردبیلی است. ایشان مازاد فرض را از آن بیت المال دانسته و می گوید:

در میان صورت های مختلف مسئله، برخی صورت و فرض دیگری مطرح می کنند و آن این که مازاد فرض نه به زوجه داده شود و نه به امام (چه در حال حضور و چه در حال غیبت) بلکه مصرف آن مصرف صدقه بوده و به فقرا آن شهر داده شود، که بر این قضیه روایات متعددی دلالت می کند. شیخ صدوق روایتی نقل می کند که هر کس وارثی نداشته باشد اموالش برای همشهریان او خواهد بود.^۲ و یا در روایت سلیمان بن خالد، امام در مورد مسلمان کشته شده ای که پدری نصرانی داشت، فرمود: اموالش به فقرا اهل آن شهر داده شود.^۳

ممکن است ما به این نظریه عمل نموده و به فرض های دیگر توجه نکنیم.^۴ البته جای تعجب است که ایشان روایات متعددی که اموال بی وارث را سهم امام می دانند یا روایاتی که مازاد فرض را حق زوجه می داند نادیده گرفته است.

۱- محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، دار الکتب الاسلامیه، قم، ج ۳۹، ص ۷۹.

۲- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البیت، قم، ج ۱۷، ص ۵۵۴، ح ۵.

۳- همان، باب ۴ از ابواب ولاء، ح ۴.

۴- محقق اردبیلی، مجمع الفائدة والبرهان، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ج ۱۱، ص ۴۳۳.

ع-شاذ بودن روایت مورد استناد موافقین

یکی از مخالفین رد مازاد فرض بر زوجه، شیخ انصاری است. وی می‌گوید:

مازاد فرض برای امام می‌باشد و ثبوت رد زاید بر فرضی که خداوند برای زوجه قرار داده است نیاز به دلیل دارد که آن نیز در بین نیست. و این نظریه که زاید بر فرض، از آن امام نباشد و به زوجه تعلق گیرد، دیدگاهی است که فقط از شیخ مفید نقل شده و مستند او نیز روایتی است که به دلیل نادر بودن رد می‌شود. از سوی دیگر، از ابن ادریس نقل شده که شیخ مفید از قول خود برگشته است. در این مسئله قول ثالثی نیز وجود دارد که در زمان غیبت، مازاد فرض به زوجه داده شود. این نظریه متعلق به صدوق و برخی از متأخرین است و مستند آن‌ها جمع میان اخبار است.^۱ علت این که شیخ انصاری شیخ مفید را دارای دو نظریه معرفی نموده است، به سخن ابن ادریس در سرائر بر می‌گردد که گفته است:

شیخ مفید در مقته گفته است: در صورتی که به همراه همسران، صاحب فرضی نباشد، باقی ترکه به همسران چه زن و چه مرد رد می‌شود. اما شیخ مفید در رساله اعلام خویش آورده است: امامیه بر این مطلب اتفاق نظر دارند که اگر زن بمیرد و وارث دیگری غیر از زوج برای او نباشد تمام مال برای زوج خواهد بود؛ نصف به تسمیه و نصف به رد.^۲ با بررسی این دو متن مشخص می‌شود که نسبت دادن این مطلب به شیخ مفید درست نیست، زیرا شیخ مفید در سخن دوم خود فقط فرض فوت زن و باقی ماندن مرد را مطرح کرده است و نسبت به صورت دوم که مرد بمیرد و همسری از خود به جای بگذارد سکوت اختیار نموده است.

دوم - موافقین رد مازاد فرض به زوجه

۱- شیخ طوسی

وی در نهاییه چنین می‌گوید:

در صورتی که زن بمیرد و زوجی از او به جای ماند و وارث دیگری نداشته باشد، زوج بر اساس نص قرآن نصف ماترک را برده و بقیه به او رد می‌شود و این حکم بر اساس روایت صحیحی است که از ائمه علیهم‌السلام وارد شده است:

در صورتی که مرد بمیرد و زوجه‌ای از خود به جای بگذارد و وارث نزدیک یا دور دیگری نداشته باشد، طبق نص قرآن ربع اموال به او تعلق می‌گیرد و بقیه به امام پرداخت می‌شود. و در روایتی آمده است که بقیه اموال و ماترک نیز به زوجه پرداخت می‌شود.

۱- شیخ انصاری، رساله فی الموارث، چاپ تبریز، ۱۳۷۵، ص ۱۸۵.

۲- ابن ادریس، پیشین، ص ۲۴۴.

برخی از علما در جمع میان این دو دسته روایات گفته‌اند: این حکم مخصوص عصر غیبت می‌باشد. اما در زمان حضور امام، زوجه بیش از ربع نبرده و بقیه به امام پرداخت می‌شود. این نظریه وجیه بوده و به صواب نزدیک است.^۱

۲- شیخ صدوق

از جمله موافقین رد مازاد، شیخ صدوق می‌باشد. وی در مقنع چنین می‌گوید:

در صورتی که زنی بمیرد و همسری از خود به جای گذارد و وارث دیگری نداشته باشد، نصف ماترک را به فرض و مابقی را به رد می‌برد. و در صورتی که مردی بمیرد و زوجه‌ای از خود به جای گذارد و وارث دیگری نداشته باشد، زوجه ربع را به فرض برده و بقیه از آن امام می‌باشد.^۲ ایشان در کتاب من لایحضر در ذیل حدیثی که همین حکم را بیان می‌دارد، می‌گوید: «این حکم مخصوص زمان حضور امام بوده است، اما در حال غیبت امام، اگر مرد وارث دیگری نداشته باشد، تمام مال به او می‌رسد.»^۳

۳- شیخ مفید

از جمله موافقین رد بر زوجه، شیخ مفید است که می‌گوید: اگر به همراه هر یک از زوجین، فامیلی نباشد تا سهمی به او برسد، بقیه ترکه به همسران رد می‌شود.^۴

۴- نظریه اهل سنت

این مسئله از دیدگاه فقهای عامه صورت روشنی دارد و آن این که زوج و زوجه در هر حال بیش از مقدار فرض خود نبرده و باقی ترکه به بیت المال تعلق می‌گیرد.^۵

در ماده ۳۰ قانون مدنی مصر که بر مبنای فقهی اهل سنت تدوین شده است، آمده است: در صورتی که غیر از زوج و زوجه وارث دیگری نباشد بقیه ترکه به آن‌ها برمی‌گردد.^۶

سوم- روایات مربوطه

در این مورد، با چهار دسته از روایات روبه‌رو می‌باشیم:

۱- روایاتی که مابقی ترکه را برای فقرا و یا بیت المال می‌داند.

۱- محمد بن حمزه علوی به امام ابو جعفر ثانی نامه‌ای به این مضمون نوشت که: فردی مقدار یک

۱- شیخ طوسی، النهایه، دارالاندلس، بیروت، ص ۴۶۲. ۲- شیخ صدوق، المقنع، نشر الهادی، قم، ۱۴۱۵، ص ۱۷۰.

۳- شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۹۲، ح ۶۶۰.

۴- شیخ مفید، المقنعه، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۰، ص ۶۹۱.

۵- شافعی، کتاب الام، دار الفکر، بیروت، ۱۹۸۳، م، ج ۴، ص ۱۰۴؛ یحیی بن شرف نووی، روضة الطالبین، دار الکتب العلمیه، بیروت، ج ۵، ص ۵۷.

صد درهم مال به من وصیت کرد و من از او کسی را نمی‌شناسم مگر دو زن که یکی در بغداد است و دیگری در قم. امام در پاسخ فرمود: به این دو زن حقشان را که $\frac{1}{8}$ ماترک است پرداخت کن و بقیه ماترک را به حاجت‌مندان بده.^۱

محقق اردبیلی می‌گوید: این خبر دلالت بر صدقه دادن بقیه ماترک می‌کند و احتمال هم دارد که این از اموال شخصی امام بوده و او دستور پرداخت آن را به فقرا داده باشد. و احتمال دارد که این حکم واقعی مازاد ترکه بوده و نه از آن امام باشد و نه از آن زوج، بلکه مصرف واقعی چنین مالی مصرف صدقه بوده باشد که بر اهالی محل زندگی میت توزیع می‌شود. وی برای این سخن به دو روایت ذیل استناد می‌کند:^۲

۱- شیخ طوسی نقل می‌کند که: حضرت علی علیه السلام میراث شخص بدون ارث را به فقرای اهل همان دیار می‌داد.^۳

ب- از امام صادق علیه السلام نقل شده است که: حضرت علی علیه السلام در زمان حکومت خود، میراث فردی را که وارثی از خود نگذاشته بود به همشهریانش واگذار نمود.^۴

۲- روایاتی که مازاد فرض را متعلق به امام می‌داند.

۱- محمد بن نعیم الصحاف می‌گوید: محمد بن ابی عمیر بیاع سابری فوت نمود و من وصی او بودم و او وارثی غیر از یک زن به جای نگذاشت. به امام کاظم علیه السلام نامه نوشتم. امام فرمود: به زن ربع ماترک را بده و بقیه را به سوی من بفرست.^۵

۱- (محمد بن یعقوب، عن عدة من أصحابنا، عن سهل بن زیاد وعن محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد جميعاً، عن علي بن مهزيار قال: كتب محمد بن حمزة العلوي إلى أبي جعفر الثاني عليه السلام: مولی لك أوصى بمائة درهم إلى وكنت أسمعهم يقول: كل شيء هو لي فهو لمولاي، فمات وتركها ولم يأمر فيها بشئ وله امرأتان إحداهما ببغداد ولا أعرف لها موضعاً الساعة، والآخرى بقم ما الذي تأمرني في هذه المائة درهم؟ فكتب إليه: انظر أن تدفع من هذه المائة درهم إلى زوجتي الرجل، وحقهما من ذلك الثمن إن كان له ولد، وإن لم يكن له ولد فالربع وتصدق بالباقي على من تعرف أن له إليه حاجة انشاء الله: (حر عاملی، پیشین، ص ۵۱۴، ح ۱).

۲- محقق اردبیلی، پیشین، ج ۱۱، ص ۴۳۳.

۳- محمد بن الحسن فی (النهاية) قال: كان أمير المؤمنين عليه السلام يعطي ميراث من لا وارث له فقراء أهل بلده وضعفاءهم وذلك على سبيل التبرع منه عليه السلام: (حر عاملی، پیشین، ص ۵۵۴).

۴- وقد تقدم حديث داود عن ذكره، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: مات رجل على عهد أمير المؤمنين عليه السلام لم يكن له وارث فدفع أمير المؤمنين عليه السلام ميراثه إلى همشيريجه. حر عاملی همشیریج را همان اهل شهر می‌داند: (پیشین).

۵- عن حميد بن زياد، عن الحسن بن محمد بن سماعه، عن محمد بن الحسن بن زياد العطار، عن محمد بن نعيم الصحاف قال: مات محمد بن أبي عمير بياع السابري وأوصى إلى وترک امرأه لم يترك وارثاً غيرها، فكتبت إلى العبد الصالح عليه السلام فكتب إلي: أعط المرأة الربع واحمل الباقي إلينا. ورواه الشيخ باسناده عن الحسن بن محمد بن سماعه مثله: (حر عاملی، پیشین، ص ۵۱۴، ح ۲).

۲- ابو بصیر روایت می‌کند که: ابو جعفر علیه السلام در مورد فرایض بر من قرائت نمود که: اگر مردی فوت کند و زنی به جای گذارد برای زن ربع ماترک بوده و بقیه از آن امام علیه السلام می‌باشد.^۱

۳- ابو بصیر، از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که: حضرت در مورد مردی که فوت می‌کند و همسری به جای می‌گذارد، فرمود: برای زن ربع ترکه است و مابقی برای امام می‌باشد.^۲

۳- روایاتی که مازاد فرض را متعلق به زوجه می‌داند.

۱- ابو بصیر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که حضرت در مورد زنی که فوت می‌کند و همسری از خود به جای می‌گذارد، فرمود: کل مال برای شوهر است. هم‌چنین امام علیه السلام در مورد مردی که فوت می‌کند و وارثی غیر از زن خود ندارد، فرمود: این اموال برای زن می‌باشد.^۳

۲- ابو بصیر، از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که حضرت در مورد مردی که فوت می‌کند و همسری به جای می‌گذارد فرمود: کل ترکه برای زن است.^۴

محقق اردبیلی در ذیل این حدیث می‌گوید: این خبر بر تساوی میان زن و مرد در ثبوت رد بر هر دو دلالت می‌کند.^۵

۳- یسار بصری از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند که حضرت در مورد مردی که فوت می‌کند و همسری به جای می‌گذارد و فرد دیگری از فامیل ندارد، فرمود: کل ترکه برای زن است.^۶

۵- در کتاب دعائم الاسلام از حضرت علی علیه السلام روایت شده که حضرت هنگام فوت مردی که وارث دیگری غیر از همسرش نداشت، فرمود: کل میراث برای زن می‌باشد.

در تفسیر این حدیث، صاحب دعائم الاسلام می‌گوید: ما قبلاً بیان کردیم که حداکثر میراث زوج

۱- وعنه عن الحسن، عن علی بن الحسن بن رباط، عن محمد بن سکین وعلی بن ابی حمزه، عن مشعل، وعن ابن رباط، عن مشعل کلهم عن ابی بصیر قال: قرأ علی أبو جعفر علیه السلام فی الفرائض: امرأه توفیت وترکت زوجها قال: المال للزوج، ورجل توفی وترکت امرأته، قال: للمرأة الربع، وما بقی فلامام؛ (همان، ح ۳).

۲- وعنه عن الحسن، عن وهیب بن حفص، عن ابی بصیر، عن ابی جعفر علیه السلام فی رجل توفی وترکت امرأته قال: للمرأة الربع وما بقی فلامام؛ (همان، ح ۴).

۳- محمد بن علی بن الحسین باسناده عن محمد بن ابی عمیر، عن ابان بن عثمان، عن ابی بصیر، عن ابی عبد الله علیه السلام فی امرأه ماتت وترکت زوجها قال: المال كله له، قلت: فالرجل يموت وترکت امرأته قال: المال لها؛ (همان، ح ۶).

۴- وعنه عن محمد بن عیسی، عن محمد بن ابی عمیر، عن ابن مسکان، عن ابی بصیر، عن ابی عبد الله علیه السلام قال: قلت له: رجل مات وترکت امرأته قال: المال لها؛ (همان، ص ۵۱۷).

۵- محقق اردبیلی، پیشین، ج ۱۱، ص ۴۲۶.

۶- محمد بن الحسن باسناده عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن البرقی، عن محمد بن القاسم بن الفضیل بن یسار البصری قال: سألت أبا الحسن الرضا علیه السلام عن رجل مات وترکت امرأه قرابه لیس له قرابه غیرها قال: یدفع المال كله إليها. أقول وتقدم ما یدل علی ذلك عموماً.

نصف بوده و حداکثر میراث زوجه ربع می‌باشد و تنها رد بر ارحام تشریح شده است و این حدیث مخالف آن قانون می‌باشد و بر اساس این، حدیث مذکور نیاز به تفسیر دارد و ما دو احتمال را در نظر می‌گیریم: اول این‌که: این زوج و زوجه علاوه بر علقه زوجیت با یکدیگر فامیل بوده باشند و یا ارتباط عبد و مولی میان آنان بوده باشد، که در حدیث به این بخش از سخن اصلاً اشاره نشده و به علم شنونده واگذار شده است. دوم این‌که: حضرت علی علیه السلام زوج و یا زوجه را اهل و لایق این اعطا دانسته و از روی ولایتی که داشته است مانند ولایت بر انفال، مازاد ترکه را به زوج و زوجه برگردانده است.^۱

۴- روایاتی که مازاد را بر هیچ یک رد نمی‌کنند.

۱- جمیل بن دراج از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که مازاد فرض نه به زوج رد می‌شود و نه به زوجه.^۲ محقق اردبیلی این روایت را مقطوعه می‌داند.^۳

۳- عبدی از حضرت علی علیه السلام چنین روایت می‌کند که: زن مازاد بر ربع را دریافت نمی‌کند و کم‌تر از ثمن را نیز نباید به او داد.

شیخ حر عاملی این دو حدیث را بر این فرض حمل می‌کند که وارث دیگری غیر از زوج وجود داشته باشد.

نظریه طوسی در جمع میان روایات

شیخ طوسی برای جمع میان روایات متعارض در این باب می‌گوید:

روایات وارده که رد بر زوجه را بیان می‌نمایند با روایات مانع رد تنافی ندارند، زیرا با دو وجه می‌توان این تعارض ظاهری را مرتفع نمود:

اول این‌که: این اخبار را بر همان وجهی که شیخ صدوق بیان نموده حمل کنیم؛ یعنی اختصاص به حال غیبت دهیم، زیرا برای زن ربع ترکه در صورتی در نظر گرفته شده است که امام حاضر باشد اما در صورت غیبت امام دیگر ضرورتی بر محروم نمودن زوجه وجود ندارد و می‌توان بقیه ماترک را به زوجه پرداخت نمود.

دوم این‌که: روایاتی که بقیه ماترک را حق زوجه می‌دانند، بر قرابت حمل نماییم؛ به این ترتیب که زن ربع را به تسمیه [حق در نظر گرفته شده برای زن] برده و بقیه را به قرابت دریافت می‌نماید. و ما برای این نوع از جمع، روایتی از امام رضا علیه السلام را شاهد خود قرار می‌دهیم:

۱- ابوحنیفه نعمانی، دعایم الاسلام، دار المعارف، بیروت، ۱۳۸۳ ق، ج ۲، ص ۳۹۳.

۲- وباسنادی عن علی بن الحسن، عن الحسن بن علی بن بنت الیاس عن جمیل بن دراج، عن ابی عبد الله علیه السلام قال:

لا یكون الرد علی زوج ولا زوجة.
۳- محقق اردبیلی، پیشین، ص ۴۲۹.

محمد بن قاسم نقل می‌نماید که امام علیه السلام در مورد مردی که فوت نموده و همسری از خود به جا گذاشته بود، فرمود: این زن ربع ماترک را به تسمیه و بقیه را به قرابت می‌برد.^۱

چهارم. نتیجه و نظریه

پس از بررسی نظریات موافق و مخالف و روایاتی که در این باره وارد شده است می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود:

۱- صورت‌های مسئله

ما می‌پذیریم که در فرض حضور امام، بر اساس ادله قطعیه اموال مازاد فرض، به امام پرداخت می‌شود.

اما در فرض غیبت امام (عج) که بحث ما نیز بر آن استوار است، چهار فرض مطرح می‌شود: اول این که: اموال مازاد فرض را برای امام نگه داریم تا امام ظهور کند، که جز عده کمی مانند ابن براج کسی تمایل به این نظریه ندارد و از پشتوانه عقلی و نقلی نیز برخوردار نیست.

دوم این که گفته شود: این اموال به میان فقرای محل زندگی میت توزیع می‌شود، که برخی از فقها نیز به این نظریه تمایل پیدا نموده‌اند و دلیل آنان هم همان روایت حمزه علوی است. اما با توجه به وصیت شخص که «کل شیء هو لی فهو لمولای» در واقع امام از سهم خود مقداری به همسر او پرداخت نمود و بقیه را برای فقرای محل در نظر گرفت. طبیعی است که امام در مورد اموال خود می‌تواند هر تصمیمی بگیرد.

فقهایی که این نظریه را پذیرفته‌اند، علاوه بر این روایت، به اخبار دیگری نیز اشاره می‌کنند که در آن‌ها آمده است: حضرت علی علیه السلام ارث کسانی که وارث نداشته‌اند را به فقرای محل زندگی می‌داد. اما باید توجه داشت که این عمل حضرت، مربوط به جایی است که میت هیچ وارثی نداشته است. بنابراین نمی‌توان این نظریه را نیز پذیرفت.

سوم این که بگوییم: این اموال به بیت المال [خزانه دولت] پرداخت می‌شود. جالب این که این نظریه طرفداران زیادی دارد، در حالی که دلیل آنان همین فرض دومی است که بیان گردید و پاسخ آن نیز داده شد.

چهارم این که گفته شود: مازاد ترکه به زوجه داده شود، که این فرض با رد سه نظریه بالا به اثبات می‌رسد؛ زیرا وقتی امام حاضر نباشد تا به او پرداخت شود و برای او هم نمی‌توان به امانت نگه داشت و دلیلی هم که این اموال را متعلق به بیت‌المال بداند ضعیف باشد، صورت چهارم باقی

در قرآن برای زن و مرد فقط به سهام مفروض اشاره شده و حکم مازاد فرض بیان نشده است. بنابراین تفاوت قابل شدن میان زن و مرد در این مورد توجیهی ندارد.

می‌ماند و آن پرداخت ماترک میت به زوجه است و این پرداخت یا به صورت فرض و یا به صورت رد خواهد بود.

۲- مخالفت با قرآن

برخی از فقها مانند محقق اردبیلی پرداخت مازاد فرض به زوجه را مخالف قرآن می‌دانند. البته جای طرح این سؤال وجود دارد که چگونه در مورد مردان خلاف ظاهر قرآن عمل می‌شود و به آنان بقیه ماترک زوجه داده می‌شود اما در مورد زنان، بحث مطابقت با قرآن پیش می‌آید.

ضمن این که در قرآن برای زن و مرد فقط به سهام مفروض اشاره شده و حکم مازاد فرض بیان نشده است. بنابراین تفاوت قابل شدن میان زن و مرد در این مورد توجیهی ندارد.

۳- مطابقت با اصل

اصل و قاعده اقتضا می‌کند که تا زمانی وارثی وجود داشته باشد ماترک میت جزء اموال بلاوارث محسوب نشده و به وارث باقی مانده تعلق بگیرد و هنگامی مالی بلاوارث شناخته شده و به امام داده می‌شود که اصلاً وارثی در بین نباشد و به لحاظ نداشتن مالک، از جمله انتقال محسوب شده و اختیار آن با امام باشد، در حالی که در بحث ما این حالت وجود ندارد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی